

## اخلاق در آیین یهود

اسماعیل علی‌خانی\*

### چکیده

اخلاق جوهرهٔ یهودیت است؛ اما با توجه به مشکلات مطرح شده دربارهٔ باب اخلاق یهودی، یافتن تعریفی جامع از اخلاق یهودی ممکن نیست. با این حال، مجموعهٔ گسترده و پرارزشی وجود دارد که «اخلاق یهودی» نامیده می‌شود. اصول اخلاقیات یهود، نخست در ده فرمان حضرت موسی تبیین شد؛ سپس در قوانین شریعت تورات در کتب مقدس عبری توسعه یافت و پس از آن، پیامبران عبرانی به نقد و بررسی آن پرداختند، و بار دیگر در قوانین شفاهی میشنا گسترش یافت. پس از آن، در گمارا و میدراش تجزیه و تحلیل شد و در قرون وسطا و مدرن، دوباره با واژه‌های فلسفی و عرفانی تفسیر شد.

با توجه به این امر، آثار مکتوب اخلاق یهودی به طور معمول به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند: توراتی، حاخامی، قرون وسطایی و مدرن.

اخلاق اجتماعی جایگاه خاصی در یهودیت و کتاب مقدس و تلمود دارد. برخی از آموزه‌های اخلاق اجتماعی یهود عبارت‌اند از: محبت به هم‌نوع، تواضع و فروتنی، دستگیری از مستمندان، عدالت و درستکاری، تقدس حیات، اعتدال و میانه‌روی و عفو و گذشت. به جز اخلاق، فلسفهٔ اخلاق نیز جایگاه خاصی در یهودیت دارد که به برخی از امور بنیادین اخلاق، مانند کمال اخلاقی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، هلاخا، کتاب مقدس، اخلاق حاخامی، اخلاق توراتی، اخلاق قرون وسطایی، اخلاق مدرن، قبالا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات اسلامی

\* دانش‌پژوه دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) دریافت: ۸۹/۳/۲۴ - پذیرش: ۸۹/۷/۶  
eā ~ĤĤ~āāŪ~āālv ~ŪçKçā

## مقدمه

طرح موضوع اخلاق یهودی، مسائل و مشکلاتی را به دنبال می‌آورد. برخی از این مسائل، جزو جدایی‌ناپذیر و لازمه ذاتی هر نوع مکتب اخلاقی است و برخی دیگر منحصر به اخلاق یهودی است. موضوع رفتار انسان‌ها (به‌ویژه موضوعات اخلاقی) در این دین اهمیتی اساسی دارد، اما به دلیل وجود شکل‌های گوناگون آیین یهود، به یقین، یافتن تعریفی جامع از اخلاق یهودی ممکن نیست.<sup>۱</sup>

آیین یهود دینی است که هدف و جهت‌گیری آن اساساً به سمت رساندن انسان به تکامل عملی در همین دنیا است. چهره واقعی و ملموس این گرایش به عمل، در مجموعه ضوابط و قوانین اخلاقی تدوین‌شده بر اساس تورات، به نام «هلاخا»<sup>۲</sup> یا شریعت یهودیت متبلور شده است. با اینکه بخش زیادی از قوانین هلاخا به آنچه امروزه آیین‌های مذهبی یا عبادی خوانده می‌شود مربوط است، هلاخا متضمن قوانین مدنی، جنایی و اخلاقی نیز می‌باشد. بخش اخلاقی هلاخا از بخش‌های دیگر آن به هیچ‌وجه قابل تشخیص و جداسازی نیست؛ بلکه دست‌کم در چارچوب این نظام، به مثابه بخشی که اعتبار و صلاحیت خود را همچون بقیه تورات، از آموزه‌های الهی به دست آورده است، بدان نگریسته می‌شود. از آن‌جا که هلاخا عناصری اخلاقی نیز در خود دارد، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سنت یهودی، نظام اخلاقی مستقل و مجزایی از هلاخا را به رسمیت می‌شناسد؟ آیا چیزی به عنوان هنجارهای اخلاقی خاص یهودیت که در هلاخا ذکر نشده باشد، وجود دارد؟

این موضوع، به مسئله پردردسری تبدیل شده است. اگر یهودیت، موجودیت دو قلمرو حقیقتاً یهودی و در عین حال مستقل، یعنی حوزه هلاخا و حوزه اخلاق را به رسمیت بشناسد، ارتباط آنها با یکدیگر چگونه خواهد بود؟ آیا اصول اخلاقی را می‌توان با توجه به قوانین هلاخا اصلاح و تعدیل کرد؟ این احتمال در نزد آن دسته از یهودیانی که هلاخا را تنها نمایش‌گر مرحله اولیه و آغازین وحی پویا و در حال تحول الهی می‌دانند، غیرقابل قبول است. به عبارت دیگر، مسئله این است که اگر هلاخا و اخلاق یهودی، هر دو اصیل و معتبراند، آیا می‌توان یکی از آنها را مقدم بر دیگری دانست؟ اگر این‌گونه نیست، در هنگام تعارض این دو، تکلیف چه خواهد بود؟ اگر آنها هیچ تعارضی با یکدیگر ندارند، پس تفاوتشان در چیست؟

مشکل دیگر اینکه اگر اخلاق دینی خاصی فراتر و بالاتر از هلاخا وجود دارد، پس رابطه این نوع اخلاق با قانون مدنی غیردینی یهودیت چگونه است؟ وظیفه یهودیان در مورد تحمیل یا ارائه این اخلاق به غیریهودیان چیست؟<sup>۳</sup>

اشکالات دیگری نیز در این باره مطرح می‌شود؛ مانند اینکه اگر قرار باشد اخلاقیات را همه مردم جهان بپذیرند، در این صورت اخلاق یهودی باید نه تنها اصولی جامع و دربرگیرنده همه مردم جهان داشته باشد، بلکه باید برای همگان نیز در دسترس و قابل استفاده باشد. حال اگر اخلاق خاصی فراتر از هلاخا وجود داشته باشد، آیا واقعاً در دسترس همه مردم جهان قرار دارد و برای همه سودمند است؟ اگر چنین است، چه عنصری آن را اخلاق یهودی کرده است؟

در ادامه به بررسی پاره‌ای از مسائل که منحصراً در اخلاق یهودی مطرح شده است، می‌پردازیم. نخست برخی از مسائل پیش‌آمده در حوزه اندیشه اخلاق یهودی را تشریح، و سپس مجموعه نوشته‌هایی را که به طور معمول با این عنوان از آنها یاد می‌شود، معرفی می‌کنیم. در نهایت نیز به برخی از آموزه‌های اخلاقی برجسته این دین اشاره می‌کنیم.

اخلاق جوهره یهودیت است. از سه اصل موجود در تورات، تقوا ریشه اخلاق است؛ دو اصل دیگر - کیفر و پاداش و برگزیدگی یهود - نوعی نقش حمایتی برای اخلاق دارند.<sup>۴</sup> در عصر روشنگری اروپا، اخلاق یهودی به لحاظ عقلی تحلیل شد و در نهایت در عصر جدید، دوباره سه مکتب و فرقه عمده یهودی آن را بررسی کردند. در طی این دوران طولانی، تغییرهای زیادی در اخلاقیات یهود به وقوع پیوست. در میان اصول بارزتری که کنار گذاشته شده‌اند، می‌توان به قاعده مقابله به مثل (چشم در برابر چشم)، توجیه بردگی، عرف چندهمسری و منزلت پایین‌تر زن در جامعه نام برد. با این همه، هنوز اصول بسیاری وجود دارند که از همان دوران اولیه ظهور کتاب مقدس باقی مانده‌اند.<sup>۵</sup>

نکته قابل توجه اینکه در دین یهود نمی‌توان میان آموزه‌های دینی و اخلاقی و به عبارت دیگر، میان اخلاق و دین تمایز نهاد. هر آنچه در تلمود<sup>۶</sup> و تورات است، شریعت به شمار می‌آید؛ حتی موضوعاتی مانند کمک به فقیران، رفتار مناسب با دیگران و ...<sup>۷</sup>

به هر حال، این نوشتار بر آن است تا آنچه در حقیقت در طول سال‌های متممادی به عنوان اخلاق یهودی مطرح بوده است را بررسی کند.

**متون مختلف اخلاق یهودی**  
براساس شیوه آیزایا تیشبی<sup>۸</sup> و جوزف دن،<sup>۹</sup> آثار مکتوبی که به طور معمول اخلاق یهودی نامیده نامیده شده‌اند، به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند: توراتی،<sup>۱۰</sup> حاخامی،<sup>۱۱</sup> قرون وسطایی و مدرن.<sup>۱۲</sup>

## الف. اخلاق توراتی

برخی از دانشمندان معاصر نظیر اسرائیل افروس<sup>۱۳</sup> و شوبرت سپرو<sup>۱۴</sup> بر این عقیده‌اند که در کتاب مقدس (عبری) حوزه مجزا و خاصی از کردارهای انسانی، نظیر آنچه ما به آن اخلاقیات می‌گوییم، کاملاً مورد توجه بوده است. هیلل<sup>۱۵</sup> نیز بر این باور است که مطالبات اخلاقی، اساس تورات است<sup>۱۶</sup>. می‌توان با این دیدگاه مخالفت کرد؛ زیرا کتاب مقدس در حالی که از موضوعات و مطالب اخلاقی سرشار است، هیچ‌گاه قوانین کنترل‌کننده رفتارهای اخلاقی را بخش مجزا و مستقلاً از قوانین مربوط به موضوعات مدنی، جنایی و عبادی موجود در آن نمی‌داند<sup>۱۷</sup>. «همه آنها از یک شبان داده شده است»<sup>۱۸</sup> در کتاب مقدس عبری هیچ کلمه‌ای با عنوان «اخلاق»<sup>۱۹</sup> به معنای مورد نظر ما وجود ندارد؛ بنابراین، این تعبیر صرفاً بیانگر کارکرد آموزشی است، که توسط آباء انجام شده است. در کتاب مقدس مطالبات اخلاقی، بخش اصلی مطالبات بنیادین است؛ از این‌رو، جایگاه محوری اخلاق، سراسر کتاب مقدس است. بر این اساس، کتاب مقدس تأثیر مهمی بر شکل‌دهی اخلاق در فرهنگ اروپایی به نحو عام داشته است. این تأثیر هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق آموزه‌های اخلاقی ادبیات اپوکریفایی (بنگرید به اپوکریفا) و عهد جدید بوده است، که مبتنی بر اخلاق کتاب مقدسی هستند<sup>۲۰</sup>. از این‌رو، آموزش مطالب اخلاقی در کتاب مقدس به صورت آگاهانه و با این عنوان خاص انجام نمی‌شود؛ بلکه می‌توان گفت تورات یکی از منابع اخلاق یهودی است، که هیچ‌گاه به منزله متن کتاب اخلاقی شناخته نشده است<sup>۲۱</sup>.

کتاب مقدس میان آموزه‌هایی که می‌توان به مثابه آموزه‌های اخلاقی طبقه‌بندی کرد و تعالیم فقهی (ختنه، قربانی و ممنوعیت خوردن خون) و دستورهای مربوط به موضوعات قانونی عام، تمایز رسمی قائل نیست<sup>۲۲</sup>؛ بنابراین، محقق مجبور است میان این مقولات تفاوت ایجاد کند و ببیند کجا هدف اخلاق بروز می‌یابد. هدف اخلاقی را می‌توان با تشخیص تفاوت میان فرمان اصلی و عام «تو نباید سرقت کنی» و احکام مربوط به کیفر سارق متمایز ساخت. (مثلاً اعداد، ۳۵). از این‌رو، فرامین اخلاقی، به وضوح قوانین بدون ضمانت هستند که باید آنها را اطاعت کرد، اما تحمیلی نیستند.

به غیر از فرمان‌های اخلاقی واضح، گرایش عامی در شریعت کتاب مقدس وجود دارد که بر عدالت تأکید می‌ورزد؛ عدالتی که اساس هر قانونی است. هر قانونی بر دیدگاه اخلاقی قانون‌گذار

و تلاش‌هایی مبتنی است که وی انجام می‌دهد تا از طریق قدرت، قواعد عملی اخلاق را، که جامعه موجود پذیرفته است اجرا کند؛ اما شریعت کتاب مقدس به وضوح و پیوسته مشتاق این غایت است.<sup>۲۳</sup>

با این سخن، این اشکال و پرسش مطرح می‌شود که آموزه‌های اخلاقی کتاب مقدس چیست؟ این پرسش در حقیقت، به منزله این است که کتاب مقدس، دست‌کم در مناسبات اخلاقی و کلامی، کتابی واحد و یکپارچه فرض شود. این فرضیه هر چند ممکن است مخالفت مؤرخان کتاب مقدس را به دنبال داشته باشد، انعکاس‌دهنده نگرش سنتی یهودیت نسبت به این کتاب است و در اینجا مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

شاید شناخته‌شده‌ترین آموزه‌های اخلاقی کتاب مقدس مجموعه‌ای به نام «ده فرمان» باشد. (البته این مجموعه به نام ده فرمان مشهور شده، وگرنه تعداد احکام آن بسیار بیش از ده عدد است.) این مجموعه در سفر خروج باب ۲۰، ذکر شده است. از این ده جمله مجزا، دست‌کم شش مورد آن مستقیماً دارای محتوا و اهمیت اخلاقی است: الف) به پدر و مادرت احترام گزار؛ ب) قتل نکن؛ ج) زنا نکن؛ د) دزدی نکن؛ ه) علیه همنوع خود شهادت دروغ نده؛ و) به اموال نزدیکان طمع نداشته باش (اموال در این فقره، همسران را نیز دربرمی‌گیرد که خود نشان‌دهنده این است که ده فرمان سند احساسات فمینیستی تورات نیست). چهار فرمان باقی‌مانده (من پروردگار و خدای شما هستم...؛ تنها خدای یگانه باید پرستیده شود؛ هیچ‌گاه نام خدا را بیهوده و عبث به کار نبرید؛ مراسم روز شنبه را به‌پادارید) بیشتر به موضوعات کلامی و عبادی مربوط است. این تقسیم‌بندی موضوعی ده فرمان، چیزی است که بعدها حاخام‌های یهودی از متن کتاب مقدس نیز برداشت کردند؛ یعنی قانون‌های مربوط به روابط میان تک‌تک افراد آدمی و اصول مربوط به رابطه انسان‌ها با خداوند.<sup>۲۴</sup>

بسیاری از قوانین تورات در گروه اول قرار می‌گیرند که براساس آن، عبادت خداوند در گرو داشتن روابط محترمانه، انسانی و اخلاقی با هموعان است. (همان‌گونه که بعدها حاخام‌ها نوشتند، عبادت شایسته خداوند در انجام سه کار است: مطالعه تورات، انجام قربانی و نماز و مهربانی و عطوفت.<sup>۲۵</sup>

در مذهب یهود، دین و اخلاق به نحوی جدانشدنی با یکدیگر در هم آمیخته‌اند؛ رفتار صحیح اخلاقی همواره در پرتو ذات خداوندی تفسیر شده است؛ زیرا تنها ذات مقدس الهی است که نمونه‌اعلای همه خوبی‌ها و شایستگی‌هاست.

تورات به دو دسته قوانین دینی و اخلاقی توصیه می‌کند و هر دسته از قوانین، خود به دو نوع سلبی و ایجابی تقسیم می‌شوند. پیوند میان قوانین دینی و اخلاقی امری اتفاقی نیست؛ بلکه از وجود عناصر اخلاقی در قوانین دینی ناشی می‌شود. این دو دسته از قوانین، یک هدف مشترک دارند که همان خدا و پاکدامنی است. احکام ایجابی برای تهذیب اخلاق و ارتقای ویژگی‌های نفسانی، و دستورهای سلبی برای مبارزه با رذایل اخلاقی و فرونشاندن گرایش‌های منفی است.<sup>۲۶</sup>

به عبارت دیگر، اخلاق هر چه باشد، پایه‌های آن در اراده‌ی خداوند قرار دارد. از این‌روی، اراده‌ی او به همان اندازه که در دین و اصول آن سهم دارد، در اصول اخلاقی نیز نقش دارد. اساس این عقیده که خداوند از آفریدگان و بندگانش خواسته است رفتاری معقول و مهربانانه با یکدیگر داشته باشند، در آموزه‌های کتاب مقدس است؛ آنجا که می‌گوید، انسان به صورت خدا خلق شده است.

اخلاقی زیستن در سخنان دانشمندان یهود دو ویژگی دارد: یکی اینکه بنیاد و اساس اخلاق، دستور الهی است و دیگر آنکه اخلاقی زیستن به معنای مطابقت اخلاق انسان با صفات خداوند است. از آنجا که انسان به صورت خداوند، آفریده شده است، کسب والاترین درجه‌ی ممکن از کمال و خودشناسی در این است که خود را تا حد امکان، شبیه به خداوند گرداند. این سخن را می‌توان شالوده‌ی مهم‌ترین و منحصربه‌فردترین اصل اخلاقی تورات، یعنی تقلیدکردن از خدا<sup>۲۷</sup> دانست.<sup>۲۸</sup>

در آیاتی چند از تورات، به اصل اخلاقی مزبور اشاره شده است، که برای نمونه برخی از آنها را بیان می‌کنیم: «مقدس باشید؛ زیرا که من یهوه، خدای شما، قدوس هستم».<sup>۲۹</sup> در این آیه، درباره‌ی موضوع بحث ما، دو نکته‌ی صریح و روشن وجود دارد: یکی مقدس و پاک‌شدن انسان به دلیل مقدس بودن خداوند، و دیگری ضرورت قدم گذاشتن در راه خدا و پیروی کردن از او. حال، این پرسش مطرح است که چگونه انسان می‌تواند خویشتن را پاک و منزّه گرداند و در نتیجه خداگونه شود؟ در کتاب مقدس، به گونه‌ای روشن به این پرسش پاسخ داده شده است. در سفر لاویان (۲: ۱۹-۳۷) فهرستی از فرمان‌های مختلف خداوند ارائه شده است. این فرمان‌ها درباره‌ی موضوعات اخلاقی (شامل احترام به والدین، کمک کردن به فقیران، رعایت عدل و صداقت، لطف و عطف به محرومان، و مانند آن)، فقهی (مثل آداب روز شنبه، قربانی و مانند آن) و کلامی (از قبیل بیهوده نام پروردگار را بر زبان نیاوردن) است. از این‌روی، انسان می‌تواند

با پیروی از این احکام یا بنابر آنچه در کتاب تشنیه آمده است، با گام نهادن در مسیر خداوند، به تقدس و پاکی مورد نظر دست یابد.

از آنجا که تأکید آیین یهود بیشتر بر عمل و کردار است، تا مباحث عقلی و ماوراءالطبیعه، مایه شگفتی نیست که این آیین، اصول و آموزه‌هایی را ارائه دهد که در نگاه اول، محتاج تفسیرهای نظری است، ولی بلافاصله بر تبیین آنها از طریق عناصر عملی پافشاری کند. از این روی، تقلیدکردن از خدا در این مذهب، موضوعی مافوق‌طبیعی نیست؛ بلکه جزو مسائل عملی و اخلاقی آن به شمار می‌آید. یهودیان مکلف نشده‌اند که از لحاظ عینی و واقعی فراتر از ماهیت معمول خویش حرکت کنند و از نظر جهانی شبیه خداوند شوند،<sup>۳۰</sup> بلکه از آنان خواسته شده است به شیوه‌های خاصی رفتار کرده، اعمال مشخصی را انجام دهند. بنابراین، تقلیدکردن یهودیان از خداوند و دست یافتن آنان به سرنوشتی که پروردگار با آفریدن آنان به صورت خویش، برایشان مقدر ساخته است، در واقع وسیلهٔ رسیدن به تکامل عملی و اخلاقی آنان است. یعنی نه تنها خداوند به وسیلهٔ فرمان‌های خود بشر را به راه حقیقی زندگی راهنمایی کرده است، بلکه خود را نمونه‌ای می‌سازد تا همه از او پیروی کنند. در ادبیات دانشمندان یهود، پیروی از خداوند به صورت هدف و آرمانی نشان داده شده است، که انسان باید برای نیل به آن بکوشد. ارادهٔ خداوند الگویی است که زندگی بشر باید براساس آن شکل پذیرد. او صفاتی بی‌نهایت عالی دارد که در رفتار و کردار بشر نیز همان صفات باید نمودار و برجسته باشد.

این اصل در چند جا تعلیم داده شده است. مثلاً «فقط از خداوند خدایتان پیروی نمایید، از او اطاعت کنید و اوامرش را بجا آورید، او را پرستش کنید و از او جدا مشوید»؛<sup>۳۱</sup> مقصود این است که انسان باید از صفات ذات قدوس متبارک پیروی کند. همان‌طور که او برهنگان را جامه پوشانید،<sup>۳۲</sup> انسان نیز باید برهنگان را جامه بر تن کند. همان‌طور که خدا مرده را دفن کرد<sup>۳۳</sup> او نیز مردگان بی‌کس را به خاک بسپارد.<sup>۳۴</sup> «در تمامی طریق‌های او رفتار نمایید»<sup>۳۵</sup> چنان‌که گفته شد: «خداوند، خدایی رحیم و با شفقت، دیرخشم و کثیر احسان و حقیقت است»<sup>۳۶</sup> و نیز گفته شده است: «و واقع خواهد شد هر که به نام خداوند خوانده شود، نجات خواهد یافت»؛<sup>۳۷</sup> یعنی همان‌طور که خدای حاضر در همه جا رحیم و شفیع است، مؤمن نیز باید رحیم و شفیع باشد. همان‌طور که ذات قدوس متبارک عادل خوانده شده است<sup>۳۸</sup> (مزامیر، ۱۴۵: ۱۷) او نیز عادل باشد. همان‌طور که او نیکوکار و مهربان خوانده شده است (آیهٔ فوق) بنده نیز نیکوکار و مهربان باشد.<sup>۳۹</sup>

از سوی دیگر، دانشمندان یهود این نکته را از نظر دور نداشته‌اند که در کتاب مقدس، صفاتی مانند غیرت و خشم به خداوند نسبت داده شده است که انسان نباید از آن تقلید کند. آنان برای این عقیده که اصل کلی تقلید از خداوند نباید در این موارد به کار بسته شود، دلیلی ارائه کرده‌اند: «زیرا من که خداوند خدای تو می‌باشم، خدای غیوری هستم»؛<sup>۴۰</sup> «من بر غیرت چیره و غیرت را بر من تسلطی نیست»؛<sup>۴۱</sup> «یک موجود انسانی مغلوب خشم و غضب خود می‌شود. لکن ذات قدوس متبارک بر خشم و غضب خود مسلط است. چنانکه گفته شده است: خداوند انتقام گیرنده و صاحب غضب است.»<sup>۴۲</sup>

بنابراین، اصل کلی تقلید از خداوند نه تنها پایه و اساس علم اخلاق تلمود است، محرک و الهام‌بخش آن نیز هست. این اصل کلی این احساس را در انسان به وجود می‌آورد که وقتی زندگی او به لحاظ اخلاقی درست و صحیح باشد، از تأیید و پشتیبانی آفریدگار خود برخوردار می‌شود، و از آن مهم‌تر، با خدای خود رابطه‌ای ناگسستنی برقرار می‌سازد. از این‌روست که این اعتقاد انگیزه‌ای عالی و نیرومند برای خوگرفتن به رفتار و کردار نیک است.<sup>۴۳</sup>

مقایسه شیوه آیین یهود در تقلید از خداوند با شیوه‌های افلاطون و مسیحیت، نکته‌ای را که بدان اشاره شد، روشن‌تر می‌سازد. افلاطون<sup>۴۴</sup> در *تئاتتوس*<sup>۴۵</sup> چنین می‌گوید: «بر ما لازم است که هر چه سریع‌تر به آسمان پرواز کنیم و در نتیجه، تا آنجا که ممکن است، شبیه خدا شویم و شبیه خدایشدن یعنی پاک‌گردیدن، عادل‌شدن و خردمندگشتن». در تورات از یهودیان خواسته شده است تا در همین زمین، و نه در آسمان‌ها، با انجام دستورهای خداوند، خداگونه شوند. پس براساس دستور تورات کسی شبیه خداوند نمی‌شود؛ بلکه انسان شیوه‌های خدایی را دنبال می‌کند و رفتارهای خداگونه را تا آنجا که برای بشر امکان دارد، انجام می‌دهد.

در مسیحیت، ما با تفسیری واقعی‌تر و عینی‌تر و در نتیجه، مافوق طبیعی‌تر از مضمون تقلید از خدا روبه‌رو می‌شویم. در این دین، خداوند با مجسم‌کردن خویش در کالبد جسم زنده و مادی بشر، نقش تقلید از بشر را ایفا می‌کند و بدین ترتیب، تقلید از خدا به صورت غیرمستقیم و با عنوان تقلید از مسیح، محقق می‌شود؛ تقلیدی که نه با انجام‌دادن ششصد و سیزده فرمان موجود در تورات، که با ابراز وفاداری و ایمان و با پیروی از رنج و عذابی که عیسی هنگام جان‌نثاری خویش برای خلق تحمل کرد، میسر می‌شود.<sup>۴۶</sup>

مضمون اخلاقی خلق انسان به صورت خدا، دو موضوع را پدید آورده است: یکی قوانین



اخلاقی خاص (نظیر «دوست داشتن همنوع»؛ زیرا او نیز مانند خود ما به صورت خدا آفریده شده است) و دیگری، محتوای عام و فراگیر تورات؛ چیزی که به ویژه در مورد پیامبران باستان (نظیر اشعیا، ارمیا و حزقیال) کاملاً روشن است. این اصل همچنین شالوده‌بحث‌های حاخامی را درباره آنچه ما موضوعات اخلاقی می‌نامیم، تشکیل می‌دهد.

#### کمال اخلاقی در کتاب مقدس

برخلاف نظام اخلاقی فلسفه یونان که به دنبال تعریف فضایل متفاوت است (چه کسی شجاع، سخی، عادل و ... است)، کتاب مقدس از هر کس می‌خواهد کار خوب انجام دهد؛ نسبت به دوستش با فضیلت رفتار کند و دغدغه این کتاب، تعریف‌های مختصر نیست. این نگرش تقریباً به وضوح در ارمیا ۹: ۲۳-۲۴ آمده است: «خداوند چنین می‌گوید: حکیم از حکمت خود فخر ننماید، و جبار از تنومندی خویش مفتخر نشود و دولت‌مند از دولت خویش افتخار نکند. بلکه هر که فخر نماید از این فخر بکند که فهم دارد و مرا می‌شناسد که من یهوه هستم که رحمت و انصاف و عدالت، را در زمین بجا می‌آورم، زیرا خداوند می‌گوید در این چیزها مسرور می‌باشم». این نکته ناشی از همین مطلب است که انجام کار خوب و عدالت، اساس اخلاق کتاب مقدس است. ایدئال اخلاق شخصی و اساس همه اعمال اخلاقی، رابطه خوب میان شخص و دیگری است؛ مگر در فرمان اجتناب از بت‌پرستی که صرفاً وظیفه شخص در برابر خداست.<sup>۴۷</sup>

تعریفی مشابه برای انسان خوب در اشعیا ۳۳: ۱۵ و در مزمور ۱۵ وجود دارد. بر ایدئال انسان درستکار در مزامیر، انسان خداترس را اضافه کنید، که سعادت را در تعالیم خدا و پرستش او می‌داند و کسی که از زندگی خالی از شور اخلاقی پرهیز می‌کند (مثلاً مزمور ۱). ایدئال اخلاق شخصی در شخصیت ابراهیم تبیین بیشتری می‌یابد؛ کسی که چندین ویژگی شریف و جالب را به او نسبت می‌دهند: گشاده‌رویی، مهمان‌نوازی، مهربانی، فروتنی و سخاوت.<sup>۴۸</sup>

#### آموزش اخلاق در کتاب مقدس

محتوای اخلاقی کتاب مقدس جهتی هماهنگ دارد؛ اما بسته به نوع کتاب، به شیوه‌های متفاوت ارائه شده است. قوی‌ترین و شدیدترین بیان درباره هدف اخلاق کتاب مقدس در توبیخ انبیا وجود دارد، که سرسختانه از مردم به سبب گناهان اخلاقی انتقاد می‌کنند و بدون تسامح طالب کمال اخلاقی هستند؛ به ویژه در شناخت اخلاق اجتماعی؛ اما سرزنش آنان در حقیقت جنبه تعلیمی ندارد؛ زیرا آنان همیشه به شخص نمی‌آموزند که در حالات خاص به چه شکل عمل کند.<sup>۴۹</sup>

دغدغه قانون بابلی ارائه تعلیم اخلاقی در اعمالی خاص است. بخش‌های احکام تورات آشکارا و به تفصیل از انواع جرم‌ها نظیر قتل، سرقت و... جلوگیری می‌کند و به روشنی خواستار حمایت از فقیران، دوست داشتن همسایه و مانند آن است.

هم نبوت و هم شریعت، به نام خدا از انسان می‌خواهند که به شکلی شایسته رفتار کند. نگرش اخلاقی نبوت و شریعت عنصری بنیادین در درخواست‌شان است، مبنی بر اینکه انسان باید اراده خدا را انجام دهد و از این‌روی تسامح عملی وجود ندارد؛ هر چند آنان نظریه پاداش و کیفر را آموزش می‌دهند. این نگرش اخلاقی در مزامیر عمق بیشتری می‌یابد؛ جایی این امر احساس دینی می‌شود که در قلب انسان درستکار طالب نزدیکی با خدا جریان دارد.<sup>۵۰</sup> کتاب ایوب نیز بر فرمان‌های درستکاری تأکید دارد که شخص، از منظری دیگر مقصود آن است. ایوب اصرار دارد که در عمل فرماهای اخلاقی مثبت را رعایت کرده است و در برابر الزام‌های شریعت بر خود سخت‌گیر بوده است. مثلاً او مدعی است از کسانی که نیاز به کمک او داشته‌اند، حمایت زیادی کرده است.<sup>۵۱</sup>

آموزه‌های اخلاقی در همه کتاب‌های کتاب مقدس، عنصری ضروری برای خواسته‌های خدا از انسان لحاظ شده است. مقصود بسیاری از مثل‌ها این است که برای انسان ثابت کند برای او ارزش دارد که از منظر حکمت ساده مادی پیرو راه نیک باشد. مثلاً مثل‌ها نمی‌گویند زنا شنیع است، بلکه خطرهای آن را یادآور می‌شوند.<sup>۵۲</sup> آیات بعدی نیز به همین صورت است. هر چند در اینجا اشاره‌ای نیز به خدا می‌شود، انسان در محور توصیه اخلاقی قرار می‌گیرد. این رویکرد در مقایسه با رویکرد عام کتاب مقدس کاربردی‌تر و تساهل‌گرایانه‌تر است. با اینکه مثل‌ها به مقوله ادبیات عقل سلیم که در خاور نزدیک رایج بود، مربوط هستند، از دیگر آثار این نوع، که برای آموزش اخلاق اهمیت قائل‌اند متفاوت است؛ اخلاق در مثل‌ها دارای اهمیت بنیادین است؛ حال آنکه در ادبیات حکمی مردمان خاور نزدیک باستان، دارای اهمیت درجه دوم است. دو دلیل برای این امر وجود دارد: نخست اینکه هدف مثل‌ها آموزش شهروندان جوان است؛ حال آنکه آثار ادبیات آموزشی مصریان تأکید بیشتری بر تربیت افراد اداری دارد؛ دوم اینکه ادبیات حکمی اسرائیل از یک سو انسان درست‌کار را با انسان فرزانه، و از سوی دیگر انسان شرور را با احمق برابر می‌داند.<sup>۵۳</sup>

### اخلاق اجتماعی در کتاب مقدس

فرمان اجتناب از آسیب زدن به دیگران و اجتناب از انجام بدی نسبت به ضعیفان، در اخلاق کتاب مقدس بنیادین است. اغلب فرمان‌های اخلاقی در کتاب مقدس به این مقوله تعلق دارد: عدالت؛<sup>۵۴</sup> اجتناب از رشوه‌خواری؛<sup>۵۵</sup> سرقت و ظلم؛<sup>۵۶</sup> حمایت از بیوه‌گان و یتیمان؛ رفتار مهربانانه با بردگان و منع بدگویی. افزون بر اینها، فرمان‌هایی وجود دارد که می‌گوید در برابر فقیران تحمل داشته باشید؛<sup>۵۷</sup> گرسنه را سیر کنید و عریان را بپوشانید.<sup>۵۸</sup> هدف اصلی این فرمان‌های الهی، همچون دستوره‌های دیگر اجتناب از نفرت بی‌اساسی است که حیات جامعه را نابود می‌سازد.<sup>۵۹</sup>

عصاره‌ عام اخلاق اجتماعی را نبی‌ای بیان کرده که گفته است: «از بدی نفرت کنید و نیکی را دوست دارید و انصاف را در محکمه ثابت نمایید»؛<sup>۶۰</sup> «ای مرد از آنچه نیکو است تو را اخبار نموده است و خداوند از تو چه چیز را طلب می‌کند غیر از اینکه انصاف را بجا آوری و رحمت را دوست بداری و در حضور خدای خویش به فروتنی سلوک نمایی».<sup>۶۱</sup> این عبارت و امثال اینها نه تنها عصاره آموزه‌های اخلاقی است، بلکه اخلاق را در محور ایمان اسرائیلی جای می‌دهد. عصاره تعالیم اخلاقی کتاب مقدس شامل این سخن معروف هیلل است که: «آنچه خودت از آن نفرت داری برای هم‌نوعت روا مدار».<sup>۶۲</sup>

### ویژگی متمایز اخلاق اجتماعی در کتاب مقدس

سطح برجسته اخلاق کتاب مقدس که شاهد بر فرمان دوست داشتن همسایه است، در شخصیت ابراهیم و در نخستین مزمور از مزامیر کتاب مقدس آمده است و به دشواری می‌توان همانند آن را در منبع دیگری یافت؛ اما فرمان‌های اخلاقی عام کتاب مقدس که مبتنی بر اصل اجتناب از آسیب‌زدن به دیگران است، موضوعی دارای دغدغه عام انسانی است و بنیادهای اخلاق را می‌سازد. برخی ویژگی‌های ساختاری اخلاق کتاب مقدس، نظیر عدالت و ایفای حقوق بیوه‌گان و یتیمان در خاور نزدیک باستان رایج هستند. بنابراین، این تعمیم که کتاب مقدس در میان آثار دینی با محتوای آموزه‌های اخلاقی منحصر به فرد است، صحیح نیست. البته کتاب مقدس با هر اثر دینی - اخلاقی دیگر در اهمیتی که برای اصول اخلاقی ساده یا بنیادین دارد، متفاوت است.<sup>۶۳</sup> ملت‌های دیگر خاور نزدیک باستان احساس اخلاقی‌شان را به صورتی بروز می‌دهند که برای فرهنگ‌شان بی‌اهمیت است: مانند چند ضرب‌المثل که در سراسر ادبیات حکمی پخش است،

در مقدمه مجموعه‌های حقوق، در انواع حقوق خصوصی و در اعترافات. ارتباط میان آموزه‌های اخلاقی و امور فرهنگی ابتدایی - تصاویر خدایان، مراسم، محتوای عمده قانون - ضعیف است. آرمان‌های اخلاقی این فرهنگ‌ها، گاهی در سازماندهی اجتماعی و در دین‌شان بیان می‌شود؛ در حالی که کتاب مقدس اخلاق را در رأس دین و فرهنگ ملی جای می‌دهد. درخواست اخلاقی، دغدغه اولیه پیامبران است که آشکارا می‌گویند این امر اساس تعلیم دینی‌شان است. بخش‌های اصلی شریعت کتاب مقدس - ده فرمان، دعاها و نفرین‌های کوه جریزیم و عیبال (تثنیه، ۲۷: ۱۵-۲۶) - شامل بسیاری از فرمان‌های اخلاقی مهم است. خود شریعت کتاب مقدس گواه هدف اخلاقی است؛<sup>۶۴</sup> در حالی که ادبیات حکمی اسرائیل مشابه ادبیات حکمی فرهنگ‌های مجاور است. با تأکید بیشتری این نکته قابل توجه است که این ادبیات مبتنی بر تعلیم اخلاقی است. این فرهنگ که خدا عادل است یا باید باشد و مسئله کیفر و پاداش که ناشی از این فرض است، اساس تجربه‌های دینی مزامیر، ایوب و برخی تعبیرهای نبوتی است.<sup>۶۵</sup>

آموزه‌های اخلاقی کتاب مقدس، هر چند واضح و قوی‌اند، در محتوا چشم‌گیر نیستند؛ زیرا کتاب مقدس چیزی جز رفتار مناسب را که ضروری جامعه است، طلب نمی‌کند. اخلاق کتاب مقدس همچون برخی از دیگر نظام‌های اخلاقی (مسیحیت، بودیسم و حتی برخی از نظام‌های یهودی متأخر) مستلزم این نیست که انسان برای رسیدن به کمال به طور کامل یا حتی تا حدودی از زندگی روزمره کنار بکشد. زهد که ریشه شر و بدی را حالت طبیعی انسان می‌داند، برای کتاب مقدس و فرهنگ‌های خاور نزدیک به نحو عام بیگانه است. کتاب مقدس زندگی را آن‌گونه که هست می‌پذیرد. از این روی، درخواست‌های اخلاقی خود را با حقیقت اجتماعی هماهنگ می‌سازد؛ اما درجه عدالتی که با آن دستیابی به مرزهای حقیقت ممکن می‌شود، مستلزم قدرت واضحی است که هیچ سازشی را بر نمی‌تابد. این امر کتاب مقدس را از بیشتر نظام‌های اخلاقی برتر می‌سازد. آموزه‌های اخلاقی کتاب مقدس - همچون کتاب مقدس به نحو عام - نخست و مهم‌تر مورد خطاب اسرائیل قرار گرفته است؛ اما برخی از عبارات کتاب مقدس درخواست اخلاقی را برای همه بشر بسط داده است. نظیر شریعت نوح،<sup>۶۶</sup> داستان سدوم،<sup>۶۷</sup> و سرزنش عاموس نسبت به همجوار پادشاهان شدن به سبب ستمگری‌شان.<sup>۶۸</sup> تنظیم کتاب ایوب نیز در خارج از قلمرو بنی‌اسرائیل انجام شده است.<sup>۶۹</sup>

### اخلاق جنسی در کتاب مقدس

آنچه تا اینجا گفته شد، تنها دربارهٔ اخلاق اجتماعی است. در ساحت اخلاق جنسی، دیدگاه کتاب مقدس با دیدگاه فرهنگ‌های همسایه متفاوت است. کتاب مقدس از هر انحراف جنسی، نظیر همجنس‌بازی یا مقاربت با حیوانات بیزار است و چندین کیفر برای متخلفان تعیین می‌کند.<sup>۷۰</sup> گناه زانیه نه تنها علیه شوهرش، که علیه خدا نیز است.<sup>۷۱</sup> کتاب مقدس پیوسته زنا را محکوم می‌کند و در مواردی به طور قانونی شخص را به مرگ محکوم می‌کند.<sup>۷۲</sup> مردمان دیگر خاور نزدیک باستان با چنین گناهی این‌گونه شدید برخورد نکرده‌اند. آنان اساساً زنا را ضرورتاً نقض حقوق شوهر می‌دانستند - آسیب زدن به دارایی او، همچون سرقت یا دزدی - نه به منزلهٔ عملی شنیع که معصیت خدا باشد. جامعه از روسپی‌گری راضی بود؛ هر چند انتقادهایی بر آن وارد می‌کردند. از این‌روی، برای نمونه قانون بابلی جایگاه قانونی انواع گوناگون روسپی‌گری را تعریف می‌کند و با آن همچون دیگر پدیده‌های جامعه برخورد می‌کند.<sup>۷۳</sup> مخالفت اندکی با خلاف جنسی وجود دارد: همجنس‌بازی در کتاب مردگان مصری جزو گناهان شمرده می‌شود؛ براساس قانون حتیها،<sup>۷۴</sup> تنها جماع با برخی حیوانات مجازات دارد و حتی اینها نیز خیلی شدید نیستند.

جایگاه کتاب مقدس دربارهٔ این موضوع منحصربه‌فرد است. اخلاق جنسی کتاب مقدس در بیشتر جهان متمدن توسط مسیحیت به صورت نظری - اگر نگوییم عملی - اجرا شده است؛ اما در جهان باستان منحصر به اسرائیل بود.<sup>۷۵</sup>

### ب. اخلاق حاخامی

پیش از این گفته شد که کتاب مقدس عبری اخلاقیات را مقولهٔ دینی یا فکری کاملاً مجزایی قرار نداده است. همین نکته در مورد مجموعه آثار حاخامی‌ای که در میشنا و متون دیگر نوشته شده، صادق است. در اینجا نیز هیچ متن مستقل و مجزایی که به صورت صریح و آشکار، موضوعات اخلاقی را بررسی کرده باشد، وجود ندارد و اخلاق به مثابه بخش خاصی از اندیشه و تفکر که باید مستقل از موضوعات دیگر بدان نگریسته شود، به رسمیت شناخته نشده است.<sup>۷۶</sup> علم اخلاق و فلسفهٔ اخلاق به صورت نظام‌مند در منابع یهود وجود ندارد؛ زیرا تفکر کلاسیک یهودی بیشتر ارگانیک است تا نظام‌مند. مثلاً کار عادلانه در تفکر یهودی به صورت پراکنده مطرح است؛ اما به ندرت می‌توان همچون نظام سقراطی دربارهٔ عدالت بحث کرد.

بنابراین، پاسخ یهودیت سنتی به این پرسش که «چگونه می‌توان این آرمان‌ها را محقق ساخت؟» این است که این‌ها در هلاخا وجود دارد.<sup>۷۷</sup>

این موضوع حتی در مورد رساله معروف می‌شنایی به نام «آووت»<sup>۷۸</sup> نیز که مجموعه‌ای از پندها و نصایحی است که ما بسیاری از آنها را آموزه‌های اخلاقی می‌دانیم، صدق می‌کند. به گفته هرفورد<sup>۷۹</sup> موضوع اصلی این رساله وصف و تبیین هویت مطلوب و دلخواه می‌شنا است، از این روی، مطالب آن بیشتر مربوط به پرهیزگاری است تا اصول اخلاق.<sup>۸۰</sup>

مجموعه گسترده‌ای از آثار حاخامی اساساً در پیرامون یک موضوع نگاشته شده‌اند که حتی در مقایسه با کتاب مقدس حجم وسیع‌تری را دربرمی‌گیرد. این موضوع عبارت است از اینکه چگونه بر انسان لازم است تا با انجام فرمان‌های الهی، خویشتن را پاک کند و در راه خداوند قدم گذارد؟ حاخام‌ها با وضع مجموعه‌ای وسیع و مفصل از قوانین برای مهار تمام جنبه‌های رفتارهای آدمی، به این پرسش پاسخ دادند و نام آن را که دربرگیرنده موضوعات اخلاقی است - هر چند تنها محدود به آنها نمی‌شود - «هلاخا» گذاردند.

به هر حال، حاخام‌های می‌شنا و تلمود که از ناکافی بودن وضع قوانین خاص برای پاسخ‌گویی به همه مشکلات اخلاقی به‌خوبی آگاه بودند، به سراغ طیف گسترده‌ای از قوانین و احکام کتاب مقدس نیز رفتند؛ احکامی مانند: «آنچه را که در نزد پروردگار خوب و صحیح است، انجام دهید».<sup>۸۱</sup> آنان همچنین، براساس تدبیری که اندیشیدند، انجام اعمال دشوارتر از آنچه را که در شریعت آمده است، در جهت تحقق اراده الهی لازم و ضروری دانستند. هدف آنان این بود که یهودیان را به انجام رفتارهای اخلاقی مستحب وادار سازند و توجیه‌شان این بود که انسان هیچ‌گاه نمی‌تواند تکلیف خویش را در تقلید از خداوند به طور کامل انجام دهد.<sup>۸۲</sup>

اهمیت این اصل که انسان به صورت خداوند آفریده شده است - همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، مبنای فرمان خداوند در تقلید از خود است - در مجادله معروف میان دو حاخام می‌شنایی، بیش از پیش آشکار شده است. این دو دانشمند یهودی به نام‌های عقیوا<sup>۸۳</sup> و بن‌عزّای<sup>۸۴</sup> در بحث خویش، این پرسش را که مهم‌ترین پند و اندرز تورات چیست، بررسی کرده‌اند، به عقیده عقیوا، مهم‌ترین پند تورات این است که: «بر شما لازم است به همنوع خود، چون خویشتن عشق ورزید».<sup>۸۵</sup> در برابر، به عقیده بن‌عزّای، آیه «این کتاب از آن تمام نسل‌های بشر است؛ نسلی که خداوند به صورت خود آفرید»<sup>۸۶</sup> اهمیت ویژه‌ای دارد. آنچه در این مجادله وجود دارد و به بحث

ما مربوط می‌شود، این است که در حقیقت، هیچ نزاع و اختلاف واقعی‌ای میان این دو نفر وجود ندارد؛ زیرا هر دو دانشمند یهودی بر این که اصل خلق انسان به صورت خدا، مهم‌ترین و اصلی‌ترین آموزه تورات است، توافق دارند؛ با این تفاوت که بن‌عزای آیه‌ای را که عین آن اصل را بیان کرده است ذکر می‌کند، ولی عقیوا آیه‌ای را که دربرگیرنده روشن‌ترین نتیجه اخلاقی آن است، بیان داشته است. با توجه به سنت یهودی در ترجیح دادن عمل بر نصیحت و موعظه، جای تعجب نیست که عقیوا، دست‌کم در نزد عامه مردم، برنده مجادله یادشده باشد. تأکید آیین یهود بر احترام به هم‌نوع که از اصل آفرینش انسان به صورت خداوند نشئت می‌گیرد، در یکی از شناخته‌شده‌ترین آموزه‌های اخلاقی حاخامی با عنوان فرمان طلایی که هیلل آن را تدوین کرد، بیان شده است. هیلل در پاسخ به فردی غیریهودی که از وی مصرانه خواسته بود تا تمام تورات را به وی آموزش دهد، می‌گوید: «آنچه خود از آن نفرت داری، برای هم‌نوعت روا مدار. این پیام کلی تورات است، و بقیه تورات در واقع تفسیر این جمله است. برو و بیاموز». شاید نوع بیان هیلل از این اصل نسبت به بیان یکی از معاصران مشهور او که سعی در ارائه همان عقیده در قالب عبارتی اثباتی داشته است، بهتر و برتر باشد: «با بقیه آن‌گونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند»؛ زیرا هیچ لطفی به هم‌نوع، بالاتر و بهتر از این نیست که انسان آنان را به حال خود رها کند؛ اگر رفتار آنان موجب اذیت و آزار کسی نمی‌شود. ربی سیمون بن گمیلیل<sup>۸۷</sup> نیز اخلاق اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «جهان بر سه چیز مبتنی است: عدالت، حقیقت و صلح».<sup>۸۸</sup>

در مجموع، به‌رغم اهمیت آموزه‌های اخلاقی در تلمود، این متون از هرگونه نظام اخلاقی‌ای که به صورت آگاهانه و با این عنوان طراحی شده باشد، خالی‌اند. در دیدگاه این متون، اخلاق، حتی به منزله مقوله و موضوع دینی، فکری و انسانی مجزا و مستقلی نیز مطرح نیست. تنها در قرون میانه و در نتیجه تأثیرهای آشکار شیوه یونانی در دسته‌بندی علوم که توسط مسلمانان منتقل شد، با اولین مجموعه آثار مستقل یهودیت که آگاهانه و آشکاراً، صرفاً درباره موضوعات اخلاقی نگاشته شده، برخورد می‌کنیم. ممکن است این مجموعه‌ها در اصل و بنیاد، یونانی به نظر رسد و بررسی رفتارهای اخلاقی و صحیح در آنها قدیمی باشد، ولی آنچه جدید و تازه است، ترکیب و تدوین این متون است، که پیرامون رفتارهای اخلاقی خارج از متن و سیاق خشک و دقیق تورات و هلاخا نگاشته شده‌اند.<sup>۸۹</sup>

## ج. اخلاق قرون وسطایی

نخستین آثار نظام‌مند اخلاق یهودی در قرون وسطا تحت تأثیر تفکر فلسفی یونان شکل گرفت که از طریق ترجمه عربی و توسط مسلمانان به اندیشه یهودی رسیده بود. در واقع، یهودیان دیدگاه‌های اخلاقی خویش را دوباره به صورت نظام‌مند عقلانی و حتی علمی به وجود آوردند.<sup>۹۰</sup>

ادبیات قرون وسطا و جدید در تدوین اخلاق نظری و عملی گرایشی دوجبهی دارند. برخی از فیلسوفان یهودی قرون وسطا، همچون سعدیا گائون<sup>۹۱</sup> و سلیمان بن جبرول<sup>۹۲</sup> قواعد نظام‌مندی برای دیدگاه‌های اخلاق یهودی فراهم کرده‌اند.<sup>۹۳</sup> تیشبی<sup>۹۴</sup> و دن<sup>۹۵</sup> نوشته‌های این دوره را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: فلسفی، حاخامی، زهدگرایانه و قبالیایی.<sup>۹۶</sup> از نظر ادبی، اخلاق در این دوره در متون فلسفی و عرفانی، مواعظ و خطابه‌ها، وصیت‌ها و نامه‌ها، قصه‌ها و حکایات، متون شعری، تفاسیر کتاب مقدس، میشنا و رساله‌های مربوط به رفتارهای اخلاقی، آموزش داده شده است. با نگاهی به اولین دسته از گروه‌های چهارگانه کتاب‌های اخلاقی یهودیت در قرون وسطا، یعنی نوشته‌های فلسفی، به نظر می‌رسد موضوع اصلی و شالوده اساسی مباحث اخلاقی در میان فیلسوفان یهودی آن دوران، پیرامون ذات و ماهیت خداوند بوده است؛ بدین‌سان که به عقیده آنان، میزان اهمیتی که افراد برای رفتارهای اخلاقی قائل می‌شوند، بستگی به میزان ارزش‌گذاری آنان بر ماهیت و ذات انسانی دارد، و از آنجا که در آیین یهود، عقیده بر این است که انسان بر صورت الهی خلق شده است، کیفیت قضاوت و ارزیابی ما از ذات انسان به مقدار زیادی به نحوه قضاوت ما درباره ذات الهی بستگی دارد؛ اگر خداوند را به طور ذاتی فعال دانستیم، بر ما لازم است تا تکامل و سعادت خویش را در فعالیت و رفتار خود بیابیم. از این‌روی، علم اخلاق در این باره نقش و سهم مهمی دارد. از طرف دیگر، اگر در نظر ما خداوند ذاتاً فکور و اندیشمند باشد، تکامل و سعادت ما تنها در گرو تأمل و تعمق است. بنابراین، علم اخلاق نقش کم‌اهمیت‌تری در زندگی ما خواهد داشت و تنها وسیله‌ای مقدماتی برای رسیدن به تکامل عقلانی و فکری شمرده خواهد شد. این موضوع در آثار مهم‌ترین فیلسوف یهودی این دوران، موسی بن میمون،<sup>۹۷</sup> مورد توجه ویژه قرار گرفته است. او در یکی از کتاب‌های نسبتاً مشهور خود با عنوان *اصول خصلت‌های شخصیتی*، گونه‌ای نسبتاً اصلاح‌شده از نظریه ارسطو را که به «نظریه اعتدال»<sup>۹۸</sup> مشهور است، مطرح، و آن را مظهر آموزه‌های اخلاقی یهودیت به‌شمار می‌آورد؛ ولی چنین به نظر می‌رسد که او در کتاب فلسفی خویش، *دلالت*



الحائرين، تفسیری کاملاً عقلانی و فکری از یهودیت ارائه می‌دهد و تکامل اخلاقی - و به دنبال آن، تکامل هلاخایی - را تا حد مقدمه‌ای ضروری برای دستیابی به تکامل فکری پایین آورده و کم‌اهمیت جلوه می‌دهد؛ هر چند در اواخر کتابش، بر جهت‌گیری اخلاقی و عملی یهودیت تأکید کرده است، می‌گوید:

پس از این که شخص به بالاترین حد تکامل فکری قابل دستیابی رسید، صحیح‌ترین و کامل‌ترین تکامل او در گرو تقلید کردن از محبت، عدالت و نیکوکاری خداوند قرار دارد. ممکن است گفته شود که منظور ابن‌میمون فیلسوف در دعوت کردن به تقلید از خداوند، بیشتر جنبه عقلانی و ماورای طبیعی دارد و از ما می‌خواهد که با تعمق و تفکر ماورای طبیعی به این مطلوب دست یابیم. ولی توجه به حاخام بودن وی این احتمال را رد می‌کند؛ زیرا خود او بارها بر تأثیرگذاری عملی این تقلید بر زندگی افراد در درون جامعه، اصرار ورزیده است.<sup>۹۹</sup>

فیلسوفان یهودی قرون وسطا، نویسندگانی که به طور عمیق و بیشتر به سنت‌ها و آموزه‌های حاخامی آشنا و وفادار بودند - شاید در واکنش به آثار و کتاب‌های اخلاقی برای اثبات این عقیده که متون میشنا و تلمود تأمین‌کننده همه نیازهای فرد برای رسیدن به یک نظام اخلاقی کامل است - آثار و مقالات اخلاقی متعددی نوشتند، که کاملاً بر اساس متون میشنا و تلمود تنظیم شده بود. آنان که توصیه و فرمان حاخام‌ها را، در مورد تحقیق و جست‌وجو کردن، تنها در تورات - بدین دلیل که هر گونه مطلبی در آن وجود دارد - نپذیرفته بودند، اعتقاد داشتند نیازی به مراجعه به ارسطو و فلسفه او در تدوین اخلاق - نه در شکل و نه در محتوا - نیست. به‌جای آن لازم است شخص تنها به مطالعه و تحقیق در تورات و نوشته‌های حاخامی بپردازد و از این طریق اصول اخلاق را تدوین کند.

اخلاق حاخامی پدیده‌ای منحصرأ قرون وسطایی نیست، بلکه نوشته‌ها و آثار متعدد دیگری در این باره تا امروز نوشته شده و یا در حال نگارش است. جنبش همه‌جانبه‌ای که در قرن گذشته آغاز شد و در آن عناصر قابل توجهی از نوگرایی دیده می‌شود و به «جنبش موسار»<sup>۱۰۰</sup> معروف است، شاید بهترین نمونه اخلاق حاخامی قرون وسطایی در زمان حاضر باشد.<sup>۱۰۱</sup> نوشته‌های اخلاق زهدگرا به گروهی از صوفیان و پرهیزکاران یهودی مربوط می‌شود که به حسیدی اشکنازی<sup>۱۰۲</sup> معروف بودند و در قرن‌های دوازدهم و سیزدهم در کشور آلمان فعالیت داشتند. همه این نوشته‌ها درباره مشکلات خاص و جزئی و موقعیت‌های حقیقی و خارجی

تدوین شده‌اند و در آنها در مورد بحث و تحقیق دربارهٔ اصول و قوانین کلی اخلاق مطلبی بیان نشده است. ویژگی خاص این نوع اخلاق توجه عمیق به پرهیزگاری، اعتقاد به عناصر خرافاتی، - آن گونه که ویژگی قوم یهود و در عین حال، مابین یک دین ممتاز است - و تأکید بر تلاش بیشتر در انجام دادن رفتارهای اخلاقی یا مذهبی است. به اعتقاد آنان، هر اندازه شخص برای انجام دادن یک تکلیف زحمت بیشتری متحمل شود، شایسته ستایش بیشتری است. این اعتقاد و عقیده مشابه که بر اساس آن بر شخص پرهیزگار (یا حسید) واجب است از شریعت آسمانی<sup>۱۰۳</sup> که قانونی به مراتب سخت‌گیرتر و دشوارتر از شریعت تورات<sup>۱۰۴</sup> است تبعیت کند، - تبعیت از شریعت تورات بر دیگران لازم است - هر چند در آیین یهود، جدید و بی‌سابقه نیست، به یقین گروه حسیدی اشکنازی دوباره بر آن تأکید و به طور گسترده‌ای مطرح کرد. به هر حال، دعوت این مکتب اخلاقی به روی آوردن به رفتارهای اخلاقی مستحب، بر تحولات بعدی یهودیت در اروپا تأثیر زیادی داشت.<sup>۱۰۵</sup>

یکی از برجسته‌ترین تحولات عقلانی در تاریخ یهودیت قرون وسطایی، پیدایش و گسترش جنبش صوفی‌گرایانه یهودی به نام «قبالا»<sup>۱۰۶</sup> بود. یکی از عقاید قبالی که تأثیر مهمی بر اخلاق یهودی گذاشت، این بود که اعمال مذهبی می‌تواند اثر عمیقی بر ساختار نفس و بنای عالم گذارد. البته این نظریه براساس مفاهیم نوعی جهان‌بینی معنادار است که تمامی مظاهر مادی و معنوی عالم را در حال تأثیرگذاری متقابل فعال و همیشگی بر یکدیگر می‌داند. براساس این نگرش، اعتقاد به وجود نوعی رابطهٔ علی میان کردار آدمیان و تحولات عالم، منطقی به نظر می‌رسد.<sup>۱۰۷</sup>

در قرن شانزدهم مطالعهٔ قبالا بیش از پیش در میان متفکران یهود رایج شد. این امر تا حد زیادی ناشی از ویرانی مرکز بزرگ یهودی در اسپانیا و انحطاط سریع فلسفهٔ یهود در آن دوران است. گرایش قبالی در میان توده‌های مردم نیز بدین واسطه بود که دانشمندان قبالی به نوشتن آثار اخلاقی معروفی بر اساس نظام نمادگرایی قبالی پرداختند و این امر، قبالا را به آسانی در دسترس توده‌های یهودی قرار داد. رویکرد جدید به قبالا در اخلاق یهودی تا حد زیادی بر پایهٔ دیدگاه‌های عرفانی - انقلابی اسحاق لوریا<sup>۱۰۸</sup> (۱۵۷۲-۱۵۳۴) بود. نگاه اسحاق لوریا نگاهی منجی‌گرایانه بود. براساس نمادگرایی عرفانی وی، جهان آفریده شده است تا به مثابهٔ میدان نبرد میان قدرت‌های خیر و

شر باشد که در نهایت خیر پیروز می‌شود. انسان با انجام کار نیک و فعالیت اخلاقی و دینی می‌تواند در نبرد علیه قدرت‌های شر، با خدا همکاری کند.

الهیات لوریا موجب ایجاد گرایش جدیدی شد و به همه مطالبات اخلاقی و دینی معنایی جدید بخشید. در نظام او، هر کلمه نماز، هر عمل فضیلت‌مندانه و هر کار اخلاقی انسان، یا عملی منجی‌گرایانه است که رستگاری و رهایی را تسهیل می‌کند و یا عملی شر است که حامی قدرت شیطانی در نبرد علیه خداست؛ عمل طبیعی وجود ندارد. هر چه انجام یا وانهاده شود، تأثیر معنوی بسیاری دارد و چه‌بسا در سرنوشت همه آفرینش تأثیر داشته باشد.

پس از لوریا، یهودیان آثار بی‌شماری در قرن هفده و هیجده درباره اخلاق و خطابه اخلاقی در شرق و غرب نوشتند. بی‌شک این دوره اوج تأثیر ادبیات اخلاقی عبرانی بر حیات، رفتار اجتماعی و فعالیت تاریخی یهود است. الهیات لوریایی مبنایی شد برای نهضت موعودگرایانه شبتهای صبی در سال ۱۶۶۵؛ هر چند نهضت موعودگرایانه وی باعث بحران‌های ایدئولوژیکی و اخلاقی بسیاری برای این رویکرد شد که اخلاق حسیدی قرن هیجده پاسخی به آن بود.<sup>۱۰۹</sup>

#### د. اخلاق جدید

عالمان اخلاق یهود در دوره مدرن دارای دو گرایش هستند؛ نخست دیدگاه کسانی که تا حد زیادی بر سنت‌ها و ارزش‌های دوره پیش از مدرن تأکید می‌ورزند و خواهان تداوم همان ارزش‌ها هستند. در این گرایش، شاهد «نهضت موسار» هستیم که ربی اسرائیل سالانتر<sup>۱۱۰</sup> (۱۸۱۰-۱۸۸۳) نویسنده کتاب *نور اسرائیل*<sup>۱۱۱</sup> در قرون نوزده آن را تأسیس کرد. در برابر این رویکرد، گرایشی وجود دارد، که از عصر روشنگری متأثر است.<sup>۱۱۲</sup>

تا پیش از سال ۱۷۸۹ در اروپا و مدت‌ها پس از آن در جهان اسلام، یهودیان به هیچ‌وجه مجاز به شرکت در کارهای فرهنگی و تهذیب جوامع خویش نبودند. پس از آن سال‌ها، هنگامی که انجام دادن این امور برای یهودیان ممکن شد، آنان با شیفتگی زیاد از آن استقبال کردند. این فضای باز فرهنگی و مشارکت بیشتر مردم در امور فرهنگی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که یهودیت معاصر را از یهودیت قرون وسطا متمایز می‌کند. دیگر ویژگی متمایزکننده یهودیت این دوران، شیوه‌ای است که بر اساس آن، این آیین به جنبش‌ها، گرایش‌ها و حتی فرقه‌های رقیب متعدد تبدیل شده است. از این‌روی، - آن‌گونه که در قرون وسطا اعمال می‌شد - اگر هم در مواردی دیدگاه‌های گوناگون وجود داشت، ذاتاً در جهت یک نظر، و عقیده قرار

می‌گرفت؛ البته این نظر، خلاف عقیده‌ای است که یهودیت را از ابتدا آیینی وفادار به پلورالیسم می‌داند.<sup>۱۱۳</sup>

این وضعیت، به‌ویژه در مورد اخلاق بیشتر جلوه می‌کند. عده‌ای از متفکران یهودی عقیده دارند اخلاق یهودی اساساً از اخلاق و منطق کانت مستقل و مجزاست؛ در حالی که گروه دیگری بر این واقعیت که اخلاق یهودی کاملاً دنباله‌رو اخلاق کانتی بوده، هست و باید باشد، مباحثات می‌کنند. افرادی مانند موسی مندلسون<sup>۱۱۴</sup> و موریتز لازاروس<sup>۱۱۵</sup> از طرفداران این دیدگاه هستند.<sup>۱۱۶</sup>

هر گونه دیدگاه ممکن دربارهٔ مسئلهٔ رابطهٔ میان اخلاق و هلاخا در اعتقاد متفکران گوناگون یهودی، کاملاً جزو دیدگاه‌های معتبر و رسمی سنت یهودی به شمار می‌آید. نمونهٔ ملموس‌تر و قابل استناد دیگر، موردی است که به حاخام‌هایی مربوط می‌شود که بر جایگاه خویش در مقام کارشناسان موثق، معتبر و مؤثر در شریعت و اخلاق یهودی افتخار می‌کنند؛ آنان در برابر کمیتهٔ پارلمانی یهودیت که مسئول بررسی حکم سقط جنین بود، مطالبی را ارائه کردند که کاملاً با عقاید و دیدگاه‌های این آیین دربارهٔ آن مسئله در تضاد بود.<sup>۱۱۷</sup>

البته نظر یهودیان و آیین یهودی در این زمینه، منحصر به خود نیست، بلکه کم‌وبیش شبیه سایر ملل و عقایدشان است. واکنش شکنندهٔ یهودیت به مسائل پیش‌آمده در دنیای متجدد امروز، به همان اندازه که بازتاب‌دهندهٔ ماهیت یهودیت است، منعکس‌کنندهٔ طبیعت و خاصیت تجددگرایی نیز می‌باشد.

### برخی از آموزه‌های اخلاقی آیین یهود

#### محبت به هم‌نوع

از شعارهای بنیادین یهودیت این است که «عشق به خداوند بدون عشق به هم‌نوع کامل نیست». این مطلب در آموزه‌های تورات، در بحث دادن عشریهٔ درآمد به فقیران و لزوم اختصاص دادن گوشه‌ای از مزرعه برای برداشت محصول توسط فقیران به وضوح دیده می‌شود. خداوند این مطلب را به جهانیان اعلام فرمود که: «هم‌نوعت را مانند خودت دوست بدار. من که خدا هستم هم‌نوع تو را آفریده‌ام. اگر تو او را دوست بداری، من امین هستم و به تو پاداش نیک خواهم داد، ولی اگر او را دوست نداری، من داور هستم و تو را مجازات خواهم کرد».<sup>۱۱۸</sup>

همان‌گونه که گفته شد، فرد بت‌پرستی نزد یکی از دانشمندان یهودی به نام هیلل آمد و یک پای خود را بلند کرد و گفت تا هنگامی که روی یک پا ایستاده‌ام، تمام تورات را به من بیاموز! هیلل پاسخ داد: «آنچه خود از آن نفرت داری برای هم‌نوعت روا مدار». (شبات، ۳۱ الف). در تقابل آشکار با نظام‌های اخلاقی کهن دیگر، همچون مجموعه قوانین حمورابی و حتی‌ها که انگیزه اصلی در آنها حمایت از دارایی و مالکیت است، در تورات انگیزه اساسی اخلاق حمایت از شخصیت انسان است. از این‌روی، احترام به شخصیت، مانع امور غیراخلاقی می‌شود؛ صرف‌نظر از اینکه به چه کسی خطاب شود. حقوق فرد، توهین و تعدی به عزت نفس اشخاص را منع می‌کند.

در اخلاقیات تلمودی، توهین و بی‌حرمتی به هم‌نوع در ملأ عام، مانند ریختن خون دیگران به شمار می‌آید. «سرخی چهره ناپدید می‌شود و زردی و رنگ‌پریدگی جای آن را می‌گیرد».<sup>۱۱۹</sup> حقوق انسان‌ها، مانند حق حیات، آن‌گونه که در تلمود تفسیر شده است، تنها به معنای ایجاد امنیت برای حیات و جان و مال نیست؛ بلکه به معنای فراهم ساختن حفاظی در مقابل تهدید صرف جان و مال نیز هست. حتی تهدید هم‌نوع بدون اینکه جنبه عملی به خود بگیرد نیز نوعی بی‌حرمتی و رذالت اخلاقی شناخته می‌شود. «کسی که دستش را علیه هم‌نوع خود بلند کند، حتی اگر به او سیلی نزند، انسانی شریب خوانده می‌شود».

اما پرسش این است که آیا این کلمه هم‌نوع شامل غیریهودیان نیز می‌شود: این مطلب صحیح است که در تفسیر کلمه «هم‌نوع» که در قوانین تورات بدان اشاره شده است، تلمود بارها توضیح می‌دهد که مقصود از هم‌نوع، یهودیان است و نه کافران و بت‌پرستان؛ لکن این توضیح برای آن است که مطالب کتاب مقدس در برخی از موارد باید فهمیده و توجیه شود. به هر حال، چه از روی اصول منطق و چه حقاً و انصافاً نمی‌توان از این نکته استنباط کرد که دانشمندان یهود به کار بردن و رعایت اصول اخلاقی را فقط درباره هم‌کیشان خود توصیه کرده‌اند. این حقیقت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که در میان هزاران گفتار از صدها دانشمند یهود، تعداد کمی یافت می‌شوند که در آن احساس محبت برادرانه نسبت به افرادی که اهل ایمان و هم‌نژاد ایشان نیستند، به نظر نمی‌رسد. سختی‌های زندگی و تجربیات تلخ بعضی از دانشمندان در گفتارهای تند و خشن منعکس شده است. از مطالعه و بررسی بی‌طرفانه ادبیات تلمود چنین برمی‌آید که به طور کلی نظریه دانشمندان یهود درباره اخلاقیات جنبه همگان و

جهانی دارد و تنها معطوف به افراد ملت آنها نیست. در بسیاری از اندرزهای اخلاقی این دانشمندان کلمه «بریوت»<sup>۱۲۰</sup> به کار رفته است که ترجمه آن «مخلوقات خدا یا مردم و انسان‌ها» است و به هیچ‌وجه نمی‌توان معنای محدودی برای آن قائل شد. جمله «مخلوقات خدا را دوست مدار»<sup>۱۲۱</sup> اندرز محبوب هیلل بود. البته بعضی از این اندرزها نیز صریحاً به غیریهودیان اشاره دارد؛ مانند: «انسان نباید ذهن مردم را بدزد و آنها را فریب دهد، حتی ذهن یک غیر یهودی را»؛<sup>۱۲۲</sup> «دزدیدن مال یک غیریهودی عملی شنیع‌تر است تا دزدی از یک یهودی؛ زیرا سرقت مال یک غیریهودی شامل گناه عظیم بی‌حرمتی به نام خدا نیز می‌شود».<sup>۱۲۳</sup> همین اصل جامع را در تفسیر این قانون نیز می‌یابیم: «اگر الاغ یا گاو دشمن را یافتی که گم‌شده و سرگردان است، البته آن را به او بازگردان».<sup>۱۲۴</sup> درباره این آیه چنین تفسیر شده است: «مقصود از دشمن، یک غیریهودی بت‌پرست است».

در بسیاری از موارد، تلمود به یهودیان اجازه می‌دهد که «بخاطر صلح‌دوستی و صلح‌جویی»، از حدود مشخص قانون پا را فراتر گذارند تا آنکه روابط حسنه بین افراد بر هم زده نشود. مثلاً می‌گوید: «ما نباید فقیران یهودی را از برخورداری از خورده ریزمحصول، بافه‌های فراموش‌شده و محصول گوشه‌های کشتزارها مانع شویم».<sup>۱۲۵</sup> این قانون را بدین‌گونه گسترش داده‌اند: «دانشمندان ما چنین گفته‌اند که ما باید بخاطر صلح‌دوستی و صلح‌جویی، معاش مسکینان غیریهودی را نیز مانند معاش مستمندان یهودی تأمین کنیم. همان‌طور که به عیادت بیماران یهودی می‌رویم، از بیماران غیریهودی نیز عیادت کنیم، و همان‌گونه که مردگان یهود را تشییع می‌کنیم، مردگان غیریهودی را نیز با عزت و احترام به خاک بسپاریم».<sup>۱۲۶</sup>

### تواضع و فروتنی

شدیدترین مذمت‌ها و سرزنش‌ها، درباره انسان مغرور و متکبر است: «هر کس که مغرور و متفرعن است، چنان است که گویی بت‌پرستی می‌کند، منکر اصول دین است، هرگونه عمل زشت و فسق و فجوری را مرتکب می‌شود و سزاوار آن است که مانند درختی که به عنوان بت می‌پرستند قطع گردد. خاک او بیدار نخواهد شد، و شخبینا به خاطر او زاری می‌کند. هر کس که مغرور و متفرعن است، ذات قدوس متبارک درباره او می‌فرماید: «من و او نمی‌توانیم با یکدیگر در جهان به سر بریم».<sup>۱۲۷</sup>

### دستگیری از مستمندان

احسان به فقیران تنها عملی ناشی از لطف و شفقت احسان‌کننده نیست؛ بلکه وظیفه‌ای است که هر فرد باید آن را انجام دهد. با صدقه دادن، او نه تنها نیکوکاری می‌کند، بلکه عملی عادلانه نیز انجام می‌دهد. همه ما مایملک انسان و امی است که از طرف آفریدگار عالم هستی، که جهان و هر چه در آن است به او تعلق دارد، به وی داده شده و شخص به وسیله خیرات و احسان، عطایای خداوند را به نحو منصفانه میان ابنای بشر تقسیم می‌کند. تعریفی بهتر از آنچه در گفتار داوود در زیر آمده است، نمی‌توان درباره اعتقاد دانشمندان یهود درباره صدقات یافت: «زیرا همه چیز از جانب تو می‌آید و آنچه که از دست تو به ما رسیده است در راه تو داده‌ایم».<sup>۱۲۸</sup> این آیه، این قانون تلمود را نیز توجیه می‌کند: «حتی فقیری که از صدقه و اعانه‌ای که مردم بدو می‌دهند اعاشه می‌کند، باید خود صدقه و اعانه بدهد».<sup>۱۲۹</sup> بنابراین، هیچ کس از انجام این وظیفه دینی معاف نیست.<sup>۱۳۰</sup>

### عدالت و درستکاری

به طور ضمنی می‌توان به دو مفهوم عدالت و درستکاری در ده فرمان دست یافت؛ اما این دو مفهوم توسط پیامبران بنی‌اسرائیل در قرن هشتم بیان روشن‌تری یافته و اجرا شده است. به نظر عاموس نبی، خداوند نمونه‌اعلای هر یک از این دو مفهوم است. عاموس نبی این دو مفهوم را در کنار هم قرار داده است: «بگذار تا انصاف مثل آب و عدالت مانند نهری دایمی جاری شود».<sup>۱۳۱</sup> در یهودیت متأخر، ظاهراً این دو صفت مکمل یکدیگرند و هر دو به یک اندازه برای سعادت اخلاقی و رفاه بشر مهم هستند؛ زیرا کسی که در درون خود درستکار باشد، کارش نسبت به دیگران نیز مبتنی بر قسط و عدل است.<sup>۱۳۲</sup>

کردار درست و رعایت عدالت به عنوان انگیزه اصلی رفتار انسان محدود به موجودات انسانی نیست، بلکه شامل همه مخلوقات می‌شود. مراعات حال حیوانات نشانه انسان درستکار دانسته شده است: «شخص خداشناس حتی به فکر آسایش حیواناتش نیز هست».<sup>۱۳۳</sup> و این تنها درباره حیوانات صادق نیست؛ درست‌ی و عدالت در اخلاقیات یهود بر همه موجودات حاکم است. منع نابود ساختن اشیا را تلمود برای اطلاق به انواع اشیای مفید در قالب منع کلی «از بین نبرید»<sup>۱۳۴</sup> گسترش داده است.<sup>۱۳۵</sup>

فضیلت و منقبت برجسته‌ای که بیش از فضایل دیگر سبب امتیاز زندگی اخلاقی می‌شود، صداقت و درستکاری در دادوستد و معاملات بازرگانی است و تلمود اهمیت بسیاری برای آن قائل شده است: «وقتی که انسان را (پس از مرگ) به دادگاه عدل الهی می‌آورند، نخستین سؤالی که از او می‌کنند چنین است: آیا در داد و ستد و معاملات خود درستکار بوده‌ای؟»<sup>۱۳۶</sup>

نتیجه نادرستی در زندگی اجتماعی در این آیه نشان داده شده است: «اورشلیم بدین جهت ویران شد که افراد امین و درستکار از میان آن رخت برپستند».<sup>۱۳۷</sup>

### عفو و گذشت

وظیفه شخصی که نسبت به او خطایی شده آن است که هنگامی که از او عذرخواهی می‌شود، آن را بپذیرد؛ خطاکار را عفو کند و کینه‌ای از او در دل نگاه ندارد. گفته‌اند: «انسان باید مانند نی نرم و انعطاف‌پذیر باشد و هرگز چون درخت سرو و آزاد سخت و خشن نباشد»؛ (تعنیت، ۲۰ ب). «اگر هم‌نوعت به تو اهانتی کرد، او را عفو کن».<sup>۱۳۸</sup>

### تقدس حیات

فرمان ششم از ده فرمان، اهمیتی اساسی برای کل حیات به وجود می‌آورد. وجود این فرمان که «تو نباید مرتکب قتل نفس شوی» در مکتب یهود موجب شده است تا برای تمامی صور حیات ارزش و احترام قائل شوند. البته حرمت حیات در مورد انسان‌ها، مرتبه بالاتری دارد؛ زیرا آنها بر صورت خدا آفریده شده‌اند. از این‌روی، حیات عطیه الهی است که جز توسط خود خدا قابل گرفتن نیست.<sup>۱۳۹</sup> قصاص نیز به امر خداوند و برای ایفای حقوق دیگران است.

### اعتدال و میانه‌روی

در سراسر تعلیمات دانشمندان یهود، درباره حفظ روش معتدل بخردانه توصیه شده است و افراط، چه در زهد و ریاضت‌کشی و چه در خوش‌گذرانی و عیش و عشرت، به منزله عملی زیان‌آور منع شده است. دانشمندان یهود برای وسایل خوشی از قبیل «خانه‌ای قشنگ»، «همسری خوب‌روی» و «اثاث منزلی زیبا» به مثابه عواملی که موجب راحتی فکر و شادی خاطر انسان می‌شوند، ارزش بسیاری قائل‌اند.<sup>۱۴۰</sup>

دستورهای اخلاقی دیگری نیز در تلمود یافت می‌شود؛ مانند: کنترل زبان، پرهیز از دروغ‌گویی، ناسزا و...<sup>۱۴۱</sup>



### نتیجه‌گیری

یهود، به منزله یک دین الهی سنت اخلاقی قوی و مهمی دارد و مبنای این اخلاق نیز کتاب مقدس است؛ هر چند گفته شد در کتاب مقدس، هیچ‌گاه قوانین کنترل‌کننده رفتارهای اخلاقی، بخش مجزا و مستقلی از قوانین مربوط به موضوعات مدنی، جنایی و عبادی موجود در آن نیست. به عبارت دیگر، کتاب مقدس به اخلاق در کنار سایر امور اجتماعی و عبادی توجه دارد و زندگی اجتماعی و دینی مردمان را چیزی مستقل و جدای از اخلاق نمی‌داند؛ بلکه اخلاق را با آن عجین می‌سازد. از منظر ادیان توحیدی، دین و اخلاق به شکلی جدانشدنی با یکدیگر امتزاج یافته‌اند؛ رفتار صحیح اخلاقی همواره در پرتو ذات خداوندی تفسیر می‌شود؛ زیرا که تنها ذات مقدس الهی است که نمونه‌اعلای همه خوبی‌ها و شایستگی‌هاست. در دین یهود نمی‌توان میان فرامین دینی و اخلاقی و به عبارت دیگر، میان اخلاق و دین تمایز نهاد. هر آنچه در تلمود و تورات است، شریعت به شمار می‌آید؛ حتی موضوعاتی مانند کمک به فقیران. نکته دیگر اینکه، به‌رغم تغییر و تحول در آیین اخلاقی یهود، هنوز اصول بسیاری وجود دارند که از همان دوران اولیه ظهور کتاب مقدس باقی مانده‌اند.

نکته پایانی اینکه آنچه مایه تأسف و حسرت است، عمل نکردن به این سنت غنی اخلاقی از سوی بسیاری از کسانی است که به ظاهر خود را یهودی و پایبند به سنت حضرت موسی علیه السلام می‌دانند؛ همچنین نسل‌کشی و برخورد خصمانه دولتی که به ظاهر خود را یهودی می‌داند و برای تثبیت و تحکیم آرمان‌های یهود تلاش می‌کند. تأسف‌برانگیزتر، سکوت یهودیان سراسر دنیا نسبت به این اعمال غیراخلاقی و ضداخلاقی است که نه تنها این اعمال و آن سکوت‌ها با روح آیین انبیا و نیز آیین نجات‌بخش حضرت موسی علیه‌السلام سازگار نیست، با همان اخلاق حقوق بشری که مدعیانش علم کرده‌اند نیز ناسازگار است.

NKpã Öfë mî fî fêl ^ =Açã é-ââçã ã=ç=ñi Üã Æi é RUCK  
 Oke ~ã-â Ü-Ü  
 PKpãã Öfë mî fî fêl ^ =Açã é-ââçã ã=ç=ñi Üã Æi é RKP.  
 QKo çifã eî fã Ük ~i Ü-â I gî Æi Üe Üã ççççé Ü-ã ã ççfã ãã fêl é RPK

۵ . بوش، ریچارد و دیگران، جهان مذهبی، ادیان در جوامع امروز، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ج ۲، ۶۳۹.

SKq ~ã i Ç  
 TKb ãã Çé ç æ Æi-1 q Üé b á Æo Æç é ÉÇã-ç Ño Æã Öçã I s T=C Uf é KO  
 UKfê-á-Üq æ ÜÁo  
 VKgc é fê Üa ~ã  
 NMK\_ á Æã Á-ã  
 NNKõ ~ Á Æã á Á  
 NKpãã Öfë mî fî fêl ^ =Açã é-ââçã ã=ç=ñi Üã Æi é RURK  
 NPKfê-Æã Ñçç  
 NQKp Ü Á fê ç é fê ç  
 NRKe ãã fã  
 NSKo çif Ü= É Æã I b á Æo Æç é ÉÇã-ç Ç-á Á-I s SI é KPNK  
 NIKpãã Öfë mî fî fêl ^ =Açã é-ââçã ã=ç=ñi Üã Æi é RUQ

۱۸ . جامعه، ۱۲: ۱۱.

NMkb i Üã Æ  
 OMKo çif Ü= É Æã I b á Æo Æç é ÉÇã-ç Ç-á Á-I s SI VOCK  
 ONKpãã Öfë mî fî fêl ^ =Açã é-ââçã ã=ç=ñi Üã Æi é RUQ  
 OOKi ~i é fã Æi= K\_ É Æã fê-ã Ç= Ü-çã iî fê= K\_ É Æã fê I b á Æo Æç é ÉÇã-ç Ño i Üã Æi s Of é KNOK  
 OPKo çif Ü= É Æã I b á Æo Æç é ÉÇã-ç Ç-á Á-I s SI VOPK  
 OQKpãã Öfë mî fî fêl ^ =Açã é-ââçã ã=ç=ñi Üã Æi é RUQ  
 ORKI ÁÇK

۲۶ . ایستاین ایزیدور، یهودیت، بررسی تاریخی، ترجمه بهزاد سالکی، ص ۲۰.

OTKfã á-iãçã ç Ñêl ç Ç  
 OUKi ~i é fã Æi= K\_ É Æã fê-ã Ç= Ü-çã iî fê= K\_ É Æã fê I b á Æo Æç é ÉÇã-ç Ño i Üã Æi s T

۲۹ . لاویان، ۱۹: ۲.

۳۰ . البته گفتنی است که موضوع تقلید از خدا، آن گونه که آیات ذکر شده به خوبی نشان می‌دهد، فرمان و حکم تورات است و همین نکته بعدها به وسیله بیشتر صاحب نظران تأیید شد.

۳۱ . تثنیه، ۱۳: ۴.

۳۲ . پیدایش، ۳: ۲۱.

۳۳ . سفر تثنیه، ۳۴: ۶.

۳۴ . سوطا، ۱۴ الف.

۳۵ . تثنیه، ۱۱: ۲۲.

۳۶ . خروج، ۳۴: ۶.

۳۷ . یوتیل، ۳۲: ۲.

۳۸ . مزامیر، ۱۴۵: ۱۷.

۳۹ . دواریم، مربوط به آیه ۲۲ از باب ۱۱ از تثنیه، بند ۴۹، صفحه ۸۵ الف.

۴۰ . خروج، ۲۰: ۵.

۴۱. مخیلتا، مربوط به آیه فوق، ص ۶۸ الف.

۴۲. ناحوم، ۱: ۲؛ برشیت ربا، ۴۹: ۸ تا ۱۴.

۴۳. راب، دکتر، ا، کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، ص ۲۳۱ - ۲۳۲.

QKpçÄ-ÉÈ

QRKq ÜÈ-ÉÈi è

QSKpääÖÈmÉÈiÉ ^Açã é-ããã=ç ÈÜbÄi éKUTK

QTKo çíÜ= ÉÄÄI bÄÄoÄçéÉÇä-çì Ç-áÄ-I s SIÉKPKK

QUKfÄÇI=KÇOK

QMKfÄÇI=KPSK

۵۰. ر.ک: مزامیر ۱؛ ۱۵، به ویژه آیات ۲، ۴، ۴: ۲۴؛ ۳۴: ۱۳-۱۵.

۵۱. ایوب ۲۹: ۱۲-۱۳.

o çíÜ= ÉÄÄI bÄÄoÄçéÉÇä-çì Ç-áÄ-I s SIÉKPKK

۵۲. امثال، ۶: ۲۴-۳۵.

۵۳. امثال، ۱۰: ۲۱، ۲۳.

o çíÜ= ÉÄÄI bÄÄoÄçéÉÇä-çì Ç-áÄ-I s SIÉKPU

۵۴. اول پادشاهان، ۱۰: ۱۰؛ تشبیه، ۱۶: ۱۸-۲۰.

۵۵. خروج، ۲۳: ۸.

۵۶. خروج، ۲۰: ۱۵؛ خروج، ۲۲: ۲، ۷؛ خروج، ۲۲: ۲۱؛ تشبیه، ۵: ۱۹؛ لاویان، ۱۹: ۱۱، ۱۳؛ تشبیه، ۲۴: ۱۴.

۵۷. تشبیه، ۱۵: ۷-۱۱.

۵۸. اشعیا، ۵۸: ۷؛ حزقیال، ۱۸: ۷.

RVKo çíÜ= ÉÄÄI bÄÄoÄçéÉÇä-çì Ç-áÄ-I éKPKQ

۶۰. عاموس، ۵: ۱۵.

۶۱. میکا، ۶: ۸.

۶۲. شبات، ۳۱ الف

o çíÜ= ÉÄÄI bÄÄoÄçéÉÇä-çì Ç-áÄ-I éKPKK

SPKfÄÇI=KPKK

۶۴. تشبیه، ۴: ۸.

SRKo çíÜ= ÉÄÄI bÄÄoÄçéÉÇä-çì Ç-áÄ-I éKPKK

۶۶. پیدایش، ۹: ۷-۱.

۶۷. پیدایش، ۱۹: ۲۰-۱۱.

۶۸. عاموس، ۳: ۲-۱.

SVKo çíÜ= ÉÄÄI bÄÄoÄçéÉÇä-çì Ç-áÄ-I éKPKK

۷۰. لاویان، ۱۸: ۲۲-۲۳؛ ۲۰: ۱۳؛ ۱۵-۱۶.

۷۱. لاویان، ۲۰: ۱۰؛ ملاکی، ۳: ۵.

۷۲. لاویان، ۲۱: ۹؛ تشبیه، ۲۲: ۲۱.

۷۳. مثلاً قانون حمورابی، ۱۴۵، ۱۸۱.

TQKé áíáÉÈ

TRKo çíÜ= ÉÄÄI bÄÄoÄçéÉÇä-çì Ç-áÄ-I éKPRK



TSKpāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUSK  
 TTkē-Āēi çī ēl qŪēgfi æŪēfāŌçāI ^ =Aā é-āāāI NRNK  
 TUK ē ççī  
 TVKē ēēŪēÇ  
 UMKpāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUSK

۸۱. تشبیه، ۶: ۱۸.

UOKpāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUIK  
 UPK āā~  
 UQK\_Éā≠ òò-á

۸۵. لاویان، ۱۹: ۱۸.

۸۶. پیدایش، ۵: ۱؛ سفیرا، ۴: ۴.

UIKpā çā-āā-d ~ā āīā

۸۸. آووت، ۱: ۱۸

pāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUIK  
 UMKĀÇēRUT  
 VMKī ~ī ēāĀē= Kē ÉĀē=āÇ= Ū-ēçīīÉ= Kē ÉĀēl bāĀōĀçéÉÇā-çñiŪāēls OI-ēKNCK  
 VNKp~Çā-Ūēl ~çā  
 VKpççā çā-āā-d ~Āāā  
 VPKo çīŪ= ÉĀēl bāĀōĀçéÉÇā-çñiŪāēls SI VCP  
 VQKē æŪĀō  
 VRKa ~ā  
 VSKī ~ī ēāĀē= Kē ÉĀē=āÇ= Ū-ēçīīÉ= Kē ÉĀēl bāĀōĀçéÉÇā-çñiŪāēls OI VNO  
 VIK çēfēç ~āi çāāÇē  
 VKd çāÇē çī É-ā  
 VKpāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUK  
 NMMKj i ēē-ēā çī Ēā Ēāī  
 NNMKpāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUK  
 NMOKē ~ēāÇē≠ ēŪāēl-òā  
 NMPKī çī çñiŪē-ī Ēā  
 NMQKī çī çñiŪē-Ū  
 NMRKpāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUV  
 NMSKh ~ĀĀ-ā~  
 NMIKpāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUMK  
 NMKfē~Āī i ēā~  
 NMMbā-Çēj æĀē-I qŪēbāĀōĀçéÉÇā-çñiŪāēls T=Ç UI éKSIJUT  
 NNMko~ĀĀēçē-Ēāp~ā-āīē  
 NNNK Ūē-ēē-ĒāE q Ūēñi ūŪēçñiŪē-Ēā F  
 NNOKī ~ī ēāĀē= Kē ÉĀē=āÇ= Ū-ēçīīÉ= Kē ÉĀēl bāĀōĀçéÉÇā-çñiŪāēls OI VNQ  
 NNPkpāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUMK  
 NNQKj çēfēç ĒāÇēç Ūā  
 NNRKj çēāōñ ~ò-ēi ē  
 NNSKī ~ī ēāĀē= Kē ÉĀē=āÇ= Ū-ēçīīÉ= Kē ÉĀēl bāĀōĀçéÉÇā-çñiŪāēls OI VNQK  
 NNIPkpāŌēnīfēl ^ =Aā é-āāā+ç-ñiŪāēl éRUMK

۱۱۸. آووت ربی ناتان، ۱۶: راب، دکتر، ا، کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۳۳.

NNKqKē~Ā-çī Ēiòā-K  
 NOM\_ÉēāçīŪ

۱۲۱. میشنا آوت، ۱: ۱۲.  
۱۲۲. حولین، ۹۴ الف.  
۱۲۳. توسیفتا با واقما، ۱۰: ۱۵.  
۱۲۴. سفر خروج، ۲۳: ۴.  
۱۲۵. لویان، ۹: ۱۹، ۱۰، میشنا گیطین، ۵: ۸.  
۱۲۶. گیطین، ۶۱ الف؛ راب، دکتر، ۱۳۵۰، ۲۳۳-۲۳۴.  
۱۲۷. سوطا، ۴ ب: ۵ الف) همان، ۲۳۶-۲۳۸.  
۱۲۸. کتاب اول تواریخ ایام، ۲۹: ۱۴؛ میشنا آوت، ۳: ۷ یا ۸).  
۱۲۹. گیطین، ۷ ب.  
۱۳۰. همان، ۲۳۹.  
۱۳۱. عاموس نبی، ۵: ۲۴.  
۱۳۲. بوش، ۱۳۷۴، ج ۲، ۶۴۰-۶۴۱.  
۱۳۳. امثال، ۱۲: ۱۰.  
۱۳۴. تشبیه، ۲۰: ۱۹.

NPR. ~ā~ēÜÄäÜK

۱۳۶. شبات، ۳۱ الف.  
۱۳۷. شبات: ۱۱۹ ب؛ راب، دکتر، ۱۳۵۰، ۲۴۷.  
۱۳۸. آوت ربی ناتان، ۴۱.  
۱۳۹. بوش، ۱۳۷۴، ج ۲، ۶۴۱.  
۱۴۰. پراخوت، ۵۷ ب؛ راب، دکتر، ۱۳۵۰، ۲۵۱.  
۱۴۱. همان، فصل ۳.



منابع

ایستاین ایزیدور، *یهودیت، بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۵.

اشتاین سالتز آدین، *سیری در تلمود*، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳.

راب، دکتر، *ا، کهن، گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۰.

بوش، ریچارد و دیگران، *جهان مذهبی، ادیان در جوامع امروز*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.

bāi-Çēj æAē-I qÜē-bāAóAçéÇä-çNō BāOçāI j ~Aā āā-ā=ni AāēÜāÖ çā é-āól k Ē ÷ çēāI s T=C U  
 NMUK  
 g-ÅAē çī æI qÜēgĒ æUēfāOçāI ^ Açā é-āçāI I nNçC ç āā fēāio-eēfēel k Ē ÷ çēāI NVMRK  
 i -i ēfāAē K EāAē-āÇ= Ü-ēçāiīē= K EāI fēI bāAóAçéÇä-çNō iÜAēI pÉAçáÇ=ÉÇāāI o çī fāÇOĒI k Ē  
 v çēā=āÇī çāÇāI OMNK  
 o çī fāēfēAÜk ~iÜ-āI gĒ æUēÜāççéÜō-ā-ā çÇēā-āā fēI e çāI k Ē ÷ çēāI NMSUK  
 o çī Ü= ÉAāI bāAóAçéÇä-çI C-āA-I gĒē ē-āfā I NMSK  
 pāOē-nēfēI ^ Açā é-āçā-ç-ēI ÜAēI \_ ā-āi Bāmi AāēÜāÖ NMPK

